

# آموزش فاطمی جشن فانوس سال ۲۰۰۳ در کنفرانس فای غرب ایالات متحده

لی هنگجی

۱۵ فوریه ۲۰۰۳

(بخش سخنرانی)

(تشویق طولانی) بیایید بنشینیم.

دوباره از آخرین باری که همدیگر را دیدیم مدت زیادی می‌گذرد. ظاهراً افراد خیلی زیادی می‌دانستند من به این کنفرانس فاطمی آییم. همگی تان کاملاً درجریانید! همان‌طور که تزکیه می‌کنید بیشتر و بیشتر شگفت‌انگیز می‌شوید. (تشویق) امروز ابتدا در مورد وضع اصلاح-فا به شما می‌گوییم، و همین‌طور وضعیت خودم، و بعد کمی در مورد بعضی موضوعات که هم‌زمان با پیشرفت اصلاح-فا بین شاگردان مان و در تزکیه‌تان سربرآورده‌اند صحبت می‌کنم.

در موقعیت‌های مختلف، و از زوایای متفاوت، درباره‌ی نیروی عظیم اصلاح-فا تمام کیهان صحبت کرده‌ام. امروز شکل اصلاح-فا را باز هم از زاویه‌ای دیگر به شما توضیح می‌دهم. به‌طوری که می‌دانید، این کیهان بی‌نهایت عظیم است، آن قدر عظیم که نمی‌توان آن را اندازه گرفت-- و منظورم روش‌هایی که موجودات بشری چیزها را اندازه می‌گیرند نیست، بلکه حتی با روش‌هایی که خدایان به‌کار می‌برند. قبلاً گفته‌ام که موجودات ذی‌شعور بی‌شماری وجود دارند. هیچ کدام از آن‌ها نمی‌توانند دقیقاً سردر بیاورند که چند مولکول زمین را می‌سازد، و هر ذره‌ای یک

موجود است. و بعد سیاره‌های بسیار زیادی در کیهان وجود دارد، تعدادشان بسیار زیاد است. و یک بدن کیهانی چه اندازه بزرگ است؟ حتی اگر تخیل‌تان را آزاد بگذارید، هنوز هم فقط در محدوده‌ی ذره‌ای از یک بدن کیهانی کوچک است. در کیهان بسیار عظیم، فقط موجودات نیستند که غیرقابل شمارش‌اند، بلکه سطوح هم غیر قابل شمارش هستند. حتی برای خدایان بی‌شمارند، و حتی پادشاهان و لردها در سطوح بی‌نهایت بالا آن را این‌طور می‌بینند. برای همین است که در جلسات اخیر آموزش‌ها صحبت درباره‌ی اینکه کیهان چقدر بزرگ است را متوقف کردم—دیگر کاملاً غیرممکن بود که آن را با زبان بشری توصیف کرد. اما هرچه سطح بالاتر باشد، آن موجودات و بعدها عظیم‌تر می‌شوند، و آنها آن قدر عظیم می‌شوند که توصیف‌شان ممکن نیست. حجم یک موجود در آن بالا از همه‌ی کیهان‌های پایین‌تر از خود فراتر می‌رود. این قدر بزرگ. در رابطه با اصلاح—فا، بیست درصد موجودات کیهان کهن درگیر شدند و تمام چیزهایی که در اصلاح—فا خواهان آن بودند را، نظم و ترتیب دادند؛ در تمام سطوح مختلف، گروهی از موجودات مستقیماً در این اصلاح—فا درگیر شدند. هیچ‌گاه نمی‌توانستند تصور کنند که درگیر شدن‌شان، دقیقاً همان مانع اهریمنی واقعی برای این اصلاح—فا است. اما درگیر شدن آنها مانع بسیار عظیمی برای تمام اصلاح—فا به‌وجود آورده است، و منجر به این شده که موجودات ذی‌شعور بی‌شماری نابود شوند. "آیا استاد بخشنده نیست؟ فقط آنها را ببخش و دیگر مشکلی نیست." نیروهای کهن دقیقاً از رحمت عظیم من سوءاستفاده می‌کرده و بازی می‌کرده‌اند. فا درخصوص همه‌ی موجودات بخشنده است، ولی در عین حال باوقار و پرابهت است. و فا استانداردهایی دارد، در مقابل موجودات ذی‌شعور، تغییرنیافتنی و تخطی‌ناپذیر است، و چیزی نیست که بتوان سرسری بر آن اثر گذاشت. من می‌توانم درخصوص موجودات ذی‌شعور بخشنده باشم، ولی، وقتی یک موجود واقعاً از چیزی تا آن حد تخطی کرده باشد، برای قضاوت او فا آنجاست، و هرگونه رحمت بیشتری بیش‌ازحد می‌بود، مثل نابود کردن خودش می‌بود، بنابراین موجوداتی بدین گونه، مهر نابودی می‌خورند.

در طول اصلاح- فاء، تعداد موجودات ذی‌شعور در کیهان که به خاطر درگیر شدن نیروهای کهن دور ریخته شده‌اند بی‌شمار است. پس، طریقه‌ی درگیر شدن آنها، روشی که این کار را انجام داده‌اند-- که روشی است که فکر می‌کنند به بهترین شکل می‌تواند آنها را قادر به رسیدن به مقاصدشان کند، و خاص‌ترین روش‌شان-- این است که کاری کنند تمام بدن‌های کیهانی بزرگ و بسیار عظیم یک قدم وارد پایین‌ترین سطح کیهان، سه قلمرو، شوند. این فقط یک تشبیه است. به عبارت دیگر، همگی آنها کاری کردند که بخشی از آنها به درون سه قلمرو فشرده شد. درباره‌ی این فکر کنید، وقتی چنین بدن‌های کیهانی بزرگ و موجودات بسیار عظیم وارد سه قلمرو می‌شوند، چه وضعیتی را در سه قلمرو به وجود می‌آورد؟ بشریت امروز به حدی فاسد شده است که نمی‌توان آن را با هیچ یک از انواع بشرهای گذشته مقایسه کرد. حتی خدایان زمینی هم فشار بسیار عظیم را احساس کرده‌اند. از آنها درباره‌ی این تغییر پرسیدم، و آنها گفتند، "فکر می‌کردیم به خاطر حالت تزکیه‌مان است". بنابراین حتی قدرت‌های موجودات خدایی زمین دیگر عمل نمی‌کند، چراکه آن موجودات بسیار عظیم بر هر چیزی در این پایین‌ترین سطح کیهان اثر بازدارندگی دارند. و بعد از پایین آمدن به اینجا، در خصوص تغییرات منحرف موجودات و ماده در سه قلمرو، آسیب غیرقابل‌تصوری به بار آورده‌اند. اگر برای اصلاح دنیای بشری توسط فاء نبود، که در نهایت چیزها را دوباره به طور کامل مرتب می‌کند، این مکان ورای بازسازی می‌شد، هیچ کسی نمی‌توانست کاری برای آن انجام دهد، و دیگر برگشتی برای آن نبود.

روشی که معمولاً به کار می‌برند این است که کاری کنند بدن‌های کیهانی بسیار عظیم و افلاک بی‌شماری به هم فشرده شده و به داخل سه قلمرو چپانده شوند. هر چه سطح آن موجودات بسیار بزرگ بالاتر باشد، حجم‌شان بیشتر است، اما ذرات و عناصری که آنها از آن ساخته شده‌اند، ظریف‌تر و متراکم‌تر می‌شود، یعنی، میکروسکوپی‌تر. پس وقتی موجوداتی به آن عظمت همه به هم فشرده و چپانده می‌شوند، درباره‌اش فکر کنید، آن در این پایین‌ترین سطح کیهان شبیه چه می‌شود؟

یک پرده‌ی بزرگ و قوی را شکل داد. در حقیقت، اصلاح- فای کیهان [به‌سرعت] یک حرکت دست انجام می‌شود. فقط این‌طور است که در روند این حرکت [دست]، آنچه که موجودات در زمان- مکان‌های زیاد کیهان احساس می‌کنند فرق بسیار زیادی با هم دارد. بعدهای بی‌کران و بی‌اندازه همه زمان خودشان را دارند، و فرق بین زمان‌ها، و تعداد زمان‌ها نیز بی‌کران و بی‌اندازه است، و این چیزی است که باعث تفاوت عظیم بین زمان‌ها در بعدهای مختلف شده است. وقتی حرکت دست انجام می‌شود، بعضی جاها تقریباً هم‌زمان هستند، درحالی که در بعضی جاها دهه‌ها، قرن‌ها، هزاره‌ها، یا ده‌ها هزار سال گذشته است، و در جاهای دیگر چند صد میلیون سال، یا حتی میلیون‌ها میلیون سال، یا مقادیر بی‌کران و بی‌اندازه‌ی زمان سپری شده است. اینجا که موجودات انسانی هستند آن‌قدر هم بد نیست، فقط بیشتر از یک دهه شده است. یعنی زمان است که تفاوت‌ها را به‌وجود آورد.

بیا یاد درباره‌اش فکر کنیم، چنین تفاوتی بین بعدها و زمان‌های مختلف وجود دارد، بنابراین گرچه آن بدن‌های کیهانی عظیمی که به داخل سه قلمرو فشار داده شدند وارد این مکان بشری شده‌اند، اما آنها فشرده هستند. اگر با مفاهیم فکر بشری آن را درک کنید، [متوجه می‌شوید که] حجم کلی بدن آنها کمتر شده است، اما مفهومش این نیست که ساختارهای درون‌شان تغییر کرده باشد. و اگر ساختارهای درونی آنها تغییر نکرده باشد، پس درباره‌ی آن بیندیشید، اگر به داخل آنها وارد می‌شدید پی می‌بردید که آنها هنوز بعدهایی به بزرگی قبل هستند. وقتی انجام اصلاح- فا را شروع کردم، کارها را خارج از سه قلمرو انجام دادم-- به اطراف سه قلمرو رفتم. و چرا به اطراف آن رفتم؟ اگر این کار را داخل سه قلمرو انجام داده بودم، آن وقت سه قلمرو، اگر بشری بیان کنیم، نقطه‌ی کانونی اصلاح- فای کیهان شده بود-- اینجا جایی می‌بود که هم‌جوشی و شکافت هسته‌ای ذرات میکروسکوپی‌تر اتفاق می‌افتاد، میدان نبرد اصلی اصلاح- فا می‌شد، و همه‌ی تغییرات بسیار بزرگ در بدن‌های کیهانی و موجودات بسیار عظیم دقیقاً اینجا اتفاق می‌افتاد. پس، درباره‌ی آن

فکر کنید، سه قلمرو تا حدی که دیگر چیزی باقی نمی ماند نابود می شد، تا جایی که چیزی به جای نمی ماند. برای همین است که به اطراف سه قلمرو رفتیم.

از خارج سه قلمرو شروع به انجام اصلاح- فا کردم، حرکت در تمام راه به بالا، نه فقط در طول یک مسیر، بلکه در تمام جهات، بسط و توسعه به سمت عالم میکروسکوپی و ماکروسکوپی به طور همزمان، حرکت هم به بالا و هم به پایین، زیرا چیزی که میکروسکوپی تر و چیزی که ماکروسکوپی تر است مفهوم یکسانی دارند. به هر جا که رفته‌ام، آن را طوری انجام داده‌ام که از تمام زمان‌ها پیشی می‌گیرد. از بالا که به آن نگاه کنیم، سرعت بسیار بالای گسترش و برخورد بسیار عظیم، حتی برای خدایانی که آن را می‌بینند، طوری مبهوت کننده است که هرگز نظیر نداشته است. به هر جا که رسیده‌ام، تمام بدن‌های کیهانی از هم پاشیده و دوباره شکل می‌گیرند، بیشتر آنها با راه‌حلی نیک خواهانه روبرو می‌شوند، و برخی از بین می‌روند. اخیراً کشفیات علم نجوم در ایالات متحده را دیده‌اید که به پدیده‌ی شکل‌گیری دوباره‌ی کهکشان‌ها و سیارات مختلف مربوط می‌شود. آنها صحنه‌هایی از شکل‌گیری دوباره‌اند که در محدوده‌ای هستند که موجودات انسانی می‌توانند مشاهده کنند. در حال حاضر نوع بشر هنوز نمی‌داند که اگرچه بین بعدها مختلف هستند تفاوت زمانی بسیار زیاد است، با این حال آنها هنوز هم در واقع درون یک زمان بزرگ و یکسان هستند، و فقط این‌طور است که تقسیم‌بندی بعدها حوزه‌های مختلفی از زمان را شکل داده است. به هر صورت، واقعیت این است که چیزها هم‌زمان در حال روی دادن هستند. همه چیز این‌طور مبهوت کننده در حال روی دادن است. انفجار آن مقدار عظیم انرژی، دوباره شکل‌گیری... فرآیند این نوع از دوباره شکل‌گیری بی‌نهایت ماکروسکوپی و بی‌نهایت میکروسکوپی است، و شگفتی جزئیات ریز آن، پیچیدگی گسترده‌ی میکروسکوپی آن، عظمت پیچیده بودن آن، و وسعت افلاک، حتی خدایان بسیار عظیم هم از تمام این‌ها در حیرتند. علی‌رغم تمام این‌ها، جریان اصلاح- فا بسیار سریع اتفاق می‌افتد و تمام می‌شود، در یک آن به انجام می‌رسد، و همه چیز

انجام می‌شود-- به عالی‌ترین صورت ممکن انجام می‌شود. اما بخشی که به درون سه قلمرو فشرده شده با چیزی که در بالا است به صورت یک وجود، پیوسته است، و آنها به هم متصل‌اند. و فضای داخل بدن بسیار عظیم آنها بی‌نهایت وسیع است. قبلاً گفته‌ام که رفتن از چیزی که سطح یک موجود عظیم را تشکیل می‌دهد تا میکروسکوپی‌ترین قسمت آن، یا، فاصله‌ی درون بدن خود آن، چیزی است که یک خدای بسیار عظیم حتی در کل زندگی خود نمی‌توانست ببیند. و به این فکر کنید که حیات یک خدا چقدر طولانی است!-- آن موجودات این قدر عظیم هستند. ولی در اصلاح- فا در یک آن انجام می‌شود. بی‌نهایت آن سریع است. با این وجود، در سه قلمرو، اگر از نقطه‌نظر بشری آن را بفهمیم، آنها فشرده شده‌اند و حالا آن قدر باریک و کوچک هستند که قابل توصیف نیست، اما زمان، بعد، و ساختار آنان مثل همان‌هایی است که در بالا هستند. هنگامی که یک لایه‌ی بسیار عظیم در آن بالا گذرانده شده است، چیزی که این پایین است به شکل متناظر عمل می‌کند، و در همان مقدار از زمان، از یک لایه‌ی بسیار نازک گذر شده است. افلاک و بدن‌های کیهانی بسیار زیادی به درون سه قلمرو فشرده شده‌اند، و تعداد موجوداتی که همراه با آنان وارد سه قلمرو شده‌اند بی‌شمار است. بنابراین اصلاح- فا به این صورت دیده می‌شود که همراه با آن بالا در کیهان و در عالم میکروسکوپی‌اش با شدت به پیش می‌رود. اگر با استفاده از درک‌های آن سطح مقایسه‌ای به عمل بیاوریم، سرعتش حتی بیش‌تر از سرعت انفجار لیزر در آن سطح است. فقط آن را با استفاده از کلماتی که مردم می‌توانند به‌عنوان سریع‌ترین درک کنند بیان می‌کنم. پس وقتی یک بدن کیهانی که به شکل غیرقابل مقایسه‌ای عظیم است در آن بالا به‌وسیله‌ی فا اصلاح شده باشد، در دنیای انسانی انگار که لایه‌ی نازکی از پوست برداشته شده است. آیا منظور مرا متوجه می‌شوید؟

پس چرا این‌طور است که طی اصلاح- فا، در سه قلمرو نفوذ به‌سوی سطح این قدر آهسته است؟ دلیل آن این است. وقتی اصلاح- فا به دنیای بشری برمی‌گردد،

تمام عناصر و موجودات کیهانی در کیهان‌های آن بالا، همگی به طور کامل مورد مراقبت قرار گرفته‌اند. آنها به موازات هم اتفاق می‌افتند، و هم‌زمان تمام می‌شوند. وقتی اصلاح- فا در آن بالا کامل می‌شود، اینجا از سه قلمرو ما عبور کرده می‌شود. حالا باز هم از زاویه‌ای دیگر درباره‌ی آن صحبت می‌کنم، یعنی، برای شما تشریح می‌کنم که چرا وقتی اصلاح- فا آغاز شد آن را داخل سه قلمرو انجام ندادم. بعضی شاگردان فکر می‌کنند، "استاد نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تصدیق نمی‌کند. پس چرا استاد فوراً نیروهای کهن را نابود نمی‌کند؟" استاد می‌تواند این کار را انجام دهد، و بدون توجه به اینکه چقدر بزرگ باشند، استاد هنوز هم می‌توانست آن را انجام دهد. اما درباره‌ی این فکر کرده‌اید: اگر برای انجام کارها انرژی بزرگ و بسیار عظیم در اصلاح- فا را به اینجا در سه قلمرو تغییر مسیر می‌دادم، مثل این می‌بود که با بمب اتمی یک پشه را زد، استفاده‌ی ناشیانه‌ای از نیرو می‌بود. اگر انرژی عظیم را به اینجا تغییر جهت می‌دادم، مثل ایجاد میدان نبردی در همین‌جا در سه قلمرو می‌بود. هرچند آنها وارد سه قلمرو شده‌اند، بدن‌های بسیار عظیم آنها هنوز آن بالا هستند. چیزی که به اینجا فشرده شد فقط یک قسمت است. پس وقتی آنها را [اینجا] متلاشی و شکل‌دهی دوباره می‌کردم، توده‌های وابسته و بزرگ‌تر آن بالا، پیوسته اینجا جای آنها را می‌گرفت، همان‌طور که پیوسته آنها را متلاشی می‌کردم آنها پیوسته به اینجا فشرده می‌شدند، و بدن‌های کیهانی دیگر هم همین کار را می‌کردند— بدن‌های کیهانی‌ای که فشرده شده بودند پشت سر هم به اینجا می‌آمدند. پس درباره‌اش فکر کنید، اگر بدن‌های کیهانی و موجودات بسیار عظیم و بی‌شمار به‌طور پیوسته به اینجا می‌آمدند، این مکان مثل محلی برای شکافت تمام ذرات می‌شد، و نقطه‌ی کانونی کیهان می‌شد. نیروی من هم توده‌ای بسیار عظیم است، پس اگر آن نیروی زیاد روی این یک نقطه به کار گرفته می‌شد، استفاده‌ی غیرموثری از آن می‌بود، و بعلاوه، مدتی طولانی به درازا می‌کشید. حتی اگر در آخر واقعاً می‌توانستم از سد تمام آنها بگذرم و همه چیز را کامل کنم، درباره‌ی آن فکر کنید، اینجایی که انسان‌ها هستند، اینجا در سه قلمرو، چیزی باقی نمانده بود. بعد از

آن برخورد بسیار عظیم چیزی وجود نمی‌داشت. این یکی از دلایلی است که چرا مستقیماً آن را اینجا انجام ندادم. و چرا مستقیماً و بلافاصله، به شکلی استثنایی، با وضعیت‌هایی که در سه قلمرو پیش می‌آیند برخورد نمی‌کنم؟ زیرا وقتی از آنها خلاص می‌شدم یکسره به آمدن ادامه می‌دادند تا سد راه من شوند، و ماجرابی که در بالا عنوان کردم اتفاق می‌افتاد. بنابراین جز در حالتی که مشکلات بزرگ داخل سه قلمرو پیش بیاید نمی‌توانم کارها را در این مکان انجام دهم. اصلاح- فا در مجموع به شکل فراگیر انجام می‌شود، و نمی‌توانید فقط به این مکان بشری تأکید داشته باشید. اگر به خاطر این، نجات تمام عناصر پایانی بدن‌های افلاک عظیم‌الجثه به تأخیر می‌افتاد، حتی وحشتناک‌تر می‌بود.

اما، این را قبلاً را شنیده‌اید، و استاد این را به شما گفته است: من برای کل اصلاح- فا، توده‌ی بزرگی از گونگ نیز در اینجا بین افراد عادی باقی گذاشته‌ام. آن درخصوص حفاظت از تزکیه و اعتباربخشی شاگردان به فا مشکلی ندارد و قطعاً از عهده‌ی آن برمی‌آید. اما چیز دیگری هست: چرا نیروهای کهن قادرند که بر امور اثر بگذارند؟ دلیلش این است که تمام موجوداتی که به سه قلمرو فشرده شده‌اند نیروی کهن هستند، و آنها یک پرده را شکل داده‌اند، و هر زمان که بخواهم به روش ویژه‌ی کارهایی انجام دهم با هم جمع می‌شوند تا مانع آن شوند. و اگر در انجام آن پافشاری کنم، آن وقت آنها تمام قدرت‌شان را متمرکز می‌کنند تا سد راه آن شوند.

قبلاً، وقتی در نمایشگاه سلامتی آسیایی در چین بودم، برای اینکه اجازه دهم مردم بیشتری درباره‌ی دافا بدانند، شخصاً برای مردم شفا‌درمانی را انجام می‌دادم. بعضی افراد واقعاً کارمای بسیار زیادی داشتند، و وقتی درحال درمان آنها بودم، نیروهای کهن نمی‌گذاشتند آنها را شفا دهم. روشی که نیروهای کهن برایمانع ایجاد می‌کردند این بود که تربیتی دهند خدایان بی‌شمار و بی‌حد و حصر بلافاصله جایی را که ریشه‌ی ناراحتی آن شخص بود مسدود کنند. آنها بسیار کوچک می‌شدند. گاهی اوقات یک مرید دافا غالباً می‌بیند که یک لکه‌ی روشن و طلائی

جلوی چشمانش برق می‌زند، و این آنها هستند. آنها ریز می‌شدند، ولی تراکم‌شان کاملاً بالا بود، به طور متراکمی با هم جمع می‌شدند، و جایی را که ریشه‌ی ناراحتی بود مسدود می‌کردند. ولی در واقع، نمی‌توانستند سد راه من شوند. می‌توانستم آنها را بگیرم و دور بیندازم، و می‌توانستم آنها را بر زمین افکنم. در اصلاح- فا اصلی وجود دارد: هر طور که من مسئله‌ای را اداره می‌کنم درست و صالح است. این کلمات را از استاد به یاد داشته باشید: هر طور که مسئله‌ای را اداره کنم صالح است، و آنهایی که با آنها برخورد می‌شود همیشه نادرست هستند. (تسویق) علت این است که آن انتخاب کیهان است، انتخاب آینده. به هر صورت، به منظور این که یک فرد عادی را شفا داد، مجبور بودم آن خدایان را بر زمین افکنم، و بعد از اینکه توسط من به زمین افکنده می‌شدند بلافاصله از مقام‌های دستیابی‌شان خلع شده، و دور ریخته می‌شدند. اما آنها، برای اینکه از قوانین کهن کیهان حفاظت کنند-- آنها نمی‌توانستند قوانین کیهان جدید را ببینند-- سرسختانه آنجا را مسدود می‌کردند، و بعد از اینکه دسته‌ای از آنها را خارج می‌کردم، دسته‌ی دیگری می‌آمد، و پیوسته پر می‌شد. استاد دل انجام این کار را نداشت، حتی با این که آنها اصلاح- فا را درک نمی‌کردند، نمی‌توانستم خدایان بسیار زیادی را نابود کنم تا فقط با یک فرد عادی نیک‌خواه باشم.

در مورد این صحبت کردم تا برای‌تان بگویم که دلیل اینکه بسیاری از چیزها در اصلاح- فا آن طور که ما مایل بودیم خوب از کار درنیامده‌اند این است که هم سطوح پایین و هم سطوح بالای نیروهای کهن با هم در حال انجام این کار بوده‌اند، و از چگالی عظیم‌شان استفاده کرده‌اند تا مانع امور شوند. همان‌طور که کمی قبل گفتم، من توانایی درهم شکستن آن را دارم، اما اگر می‌خواستم از سد آن بگذرم، مجبور می‌بودم انرژی عظیمم را به اینجا تغییر مسیر دهم تا تماماً آنها را از بین ببرم، اما، آن وقت آنها ماده‌ی بسیار عظیم، تمام ماده، در کیهان را درست در اینجا جمع می‌کردند، و این مشکلاتی بوجود می‌آورد که سخت بود فوراً آنها را حل کرد. البته، در این اصلاح- فا زمانی که شاگردان ما به شکل درست عمل می‌کنند، آن وقت آن

مشکلات وجود نخواهد داشت. وقتی گونگ و انرژوی ای که در این مکان از کیهان، در سه قلمرو، به جا گذاشتم کارهایی را انجام می‌دهد، اگر شاگردان ما به شکلی درست عمل نکنند، آنگاه نیروهای کهن مقاومت می‌کنند، و حالتی از ممانعت ظاهر می‌شود. برای همین است که به شاگردان مان گفته‌ام که مسیری درست را بپیمایند و به آنها اجازه ندهند بهانه‌ای پیدا کنند. یک‌بار که یک بهانه‌ی بزرگ پیدا کنند شما را نابود می‌کنند. و مخصوصاً وقتی که پایان کار است و درحال انجام آخرین تلاش‌شان هستند این‌طور است. وقتی نتوانند بهانه‌ای پیدا کنند جرأت نمی‌کنند شما را شکنجه و آزار کنند، زیرا آن‌وقت آنها نیز قوانین را نقض می‌کنند، و آنها این را می‌فهمند، پس نیازی نمی‌بود که من آنها را از بین ببرم-- قوانین کیهان کهن آنها را از بین می‌برد. علتش این است که آنها موجودات کهنی هستند که محافظت سخت از قوانین کهن را اساسی‌ترین چیز در نظر می‌گیرند.

پس حالا که صحبت به اینجا کشید، درباره‌ی مسئله‌ی دیگری صحبت می‌کنم: وضعیت استاد. قبل‌تر به شما گفتم که زمانی که به اطراف سه قلمرو می‌رفتم، آن عناصر پایانی بدن‌های کیهانی کیهان از این موضوع سوءاستفاده کردند و وارد شدند. بنابراین آن موجودات بسیار عظیم و بسیار زیادی که توسط فاصلا اصلاح نشده بودند یک حایل ایجاد کردند، حتی بین بدن گوشتی سطحی من در اینجا و بدن خدایی و گونگ عظیم در سوی دیگر. این تصور که بین چیزها شیئی را قرار داد تا آنها را از هم جدا کرد، متفاوت از این حایل است، شبیه هم نیستند. بلکه، این از عالم میکروسکوپی همه‌ی چیزها می‌آید، و با وجود اینکه به نظر می‌آید در تمام فضاهای بینابینی جذب شده است، اما آنها سطوح و قلمروهای خودشان را دارند و از ذرات پایین‌تر از سطح‌شان متمایزند. اما، فاصله‌های بین ذرات به وجود بعدها و زمان بستگی دارد، و وقتی آن بدن‌های کیهانی بسیار زیاد و بسیار عظیم بالاترین سطح وارد فضاهای بین تمام ذرات در سه قلمرو شدند، وسعت اولیه‌ی بعدها و طول‌های زمانی را تغییر دادند و زمان‌ها و بعدها به دفعات بی‌شماری افزایش یافتند، بنابراین

پرده‌ای از فواصل عظیم ساخته شده از بعدها‌ی بسیار دور و زمان‌های طولانی‌شده را شکل دادند، و این به نیروهای کهن اجازه داد تا کارهایی را که خواهان انجام آن بودند تحت حفاظت این پرده‌ی فواصل انجام دهند.

می‌توانم به شما بگویم، آنها با مردم مداخله می‌کنند و با تفکر مردم مداخله می‌کنند، نه فقط از بیرون، بلکه می‌توانند از میان بدن بشری نیز عبور کنند. وقتی عوامل سطح بالا، سطح یک بدن بشری را مهار می‌کنند، آن خدایان نیروهای کهن می‌توانند درحالی که محافظت می‌شوند از میان بدن افراد عادی عبور کنند. از نقطه‌نظری دیگر، وقتی با چشم‌های بشری به سطح بدن بشری مان نگاه می‌کنید، شکل بشری و بافت‌های گوشتی و پوستی بسیار ظریف و چسبیده‌اند، ولی وقتی با یک میکروسکپ بزرگ با بزرگ‌نمایی بالا به بدن بشری نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که ذرات یک فرد و بدن او که از آن ذرات ساخته شده است به زبری شن هستند، و شکاف‌های بسیار زیادی وجود دارد. و اگر مردم این فناوری را داشتند که چیزها را بیشتر بزرگ‌نمایی کنند، شکاف‌ها به طرز میهوت‌کننده‌ای بزرگ بودند. از نقطه نظر یک سطح میکروسکوپی‌تر، شکاف‌های بین ذرات آن قدر بزرگ هستند که صرفاً مثل فاصله‌ی فضایی بین مولکول‌ها و سیارات است. با چنین فاصله‌ی بزرگی، آیا برای موجودات و ماده‌ای که از ذرات حتی میکروسکوپی‌تری ساخته شده‌اند آسان نیست که آزادانه از آن میان عبور کنند؟ بنابراین بعضی اوقات آنها به درون سطح و ظاهر یک فرد رخنه می‌کنند، و در ظاهر شبیه آن فرد به نظر می‌رسد، و در عالم میکروسکوپی هنوز هم آن فرد است، اما یک موجود دیگر خودش را در آن وسط جای داده است.

تمام این‌ها را که گفتم، می‌خواهم به شما بگویم که شما این مشکل را ندارید، و من به طور کامل بخشی از شما را که کامل تزکیه شده است برای تان مهر و موم کرده‌ام. اگر یک مرید دافا به طور درست عمل کند، آنگاه هیچ چیزی جرأت نمی‌کند وارد بخش سطحی‌ای که هنوز کامل تزکیه نشده است بشود. یکی اینکه

موجودات کهن جرأت نمی‌کنند فای کیهان کهن را مختل کنند، و مورد دیگر اینکه شما استاد را دارید و خدایان محافظ فا را دارید. اگر وابستگی‌ها در سمت سطح بشری تان خارج نشده باشند، آنگاه استاد و خدایان محافظ فا در موقعیت سختی قرار می‌گیرند. اما اگر افکار درست شما قوی باشد، آنگاه استاد و خدایان محافظ فا می‌توانند برای شما هر کاری انجام دهند.

وضعیت من چیزی نیست که موجودات عادی بتوانند تصور کنند. استاد طی اصلاح- فا حیات‌های تمام موجودات در کیهان و حیات‌های تمام عناصر گوناگون را در بدن خودش گرفته است. اول از همه، این کار برای دلایل ایمنی در اصلاح- فا است -- حیات‌های تمام موجودات، اینجا با من است، پس هیچ کسی نمی‌تواند کارهایی انجام دهد که کیهان را به خطر بیندازد. دوم اینکه، برای این است که هیچ موجود یا هیچ یک از عناصر گوناگون در کیهان از اصلاح- فا طفره نروند. و سوم اینکه، این برای حفاظت از حیات‌شان طی اصلاح- فا است. برای همین است که همه جای بدن استاد شکل‌هایی از موجوداتی در سطوح گوناگون کیهان با اندازه‌های مختلف و انواع متفاوت وجود دارد، و همین‌طور تصاویر دانه‌ها، خدایان، و بوداها، و شکل‌های انسان‌ها هم شامل هستند؛ بعضی از آنها بزرگ هستند، بعضی کوچک. اما آنها نمی‌توانند با استاد مداخله کنند، و نمی‌توانند هیچ تأثیری اعمال کنند، چون چیزی که اتفاق افتاده این است که من حیات‌های تمام موجودات را [در خود] گرفته‌ام. بعضی از آنها را با چشم بشری می‌توان دید، و چشم سوم شاگردان همگی می‌توانند آنها را ببینند. من قبلاً درباره‌ی این صحبت نکرده‌ام. وقتی بعضی شاگردان که مشکلات شین‌شیگ داشتند آنها را دیدند تخیل‌شان لگام گسیخته شد.

گفته‌ام که حالت‌های مختلف تزکیه‌تان، سطوح مختلف و حالت‌های متفاوت وضعیت‌های تزکیه را بوجود می‌آورد. افرادی که چشم سوم‌شان بسته است باید از حقایق فا روشن شوند، در صورتی که آنهايي که چشم سوم‌شان باز است با مداخله از طرف دیدهای کاذب مواجه می‌شوند. به منظور آزمایش شاگردانی که

می‌توانند ببینند، آن نیروهای کهن نهایی بالاترین سطح که توسط فا اصلاح نشده‌اند در گذشته نیروهای کهن سطح پایین را هدایت می‌کردند که در فواصل افزایش یافته در مکان و زمان، کارهای بد انجام دهند. این عمل آنها طی اصلاح- فا گناه‌کارانه است-- ایمان درست و افکار درست مریدان دافا را شدیداً تکان داده است.

اما همیشه باید یک چیز یادتان باشد: مهم نیست چه کسی مداخله می‌کند، تمامش موقتی است، تمامش توهم است، بدن اصلی نیست، و تمامش صرفاً مثل عبور جریان هوا است. انواع و اقسام موجودات و عناصر مادی در همه جای بعدها وجود دارند، تعدادشان بسیار زیاد بوده و بی‌حد و اندازه هستند. آنها با شکل یا بدون شکل در آنجا هستند، و آنها موجوداتی در بعدها می‌کروسکپی و در بعدها مختلف هستند. قبل از آنکه اصلاح- فا به انجام برسد، خدايان میکروسکپی در کیهان، همه در بعدها خودشان هستند، که در یک زمان و یک مکان وجود دارند. اینکه اینجا بمانند یا نمانند فقط یک مفهوم است. آن عناصر، شکل یا بی‌شکل، به طور طبیعی آنجا وجود دارند، و اصلاً نفوذی روی شما ندارند. هیچ کسی نمی‌تواند مریدان دافایی را که افکار درست و اعمال درست دارند زیر کنترل بگیرد.

همچنین به شما می‌گویم که گرچه عناصر و موجودات عظیم سطح بالای نیروهای کهن به نظر می‌رسد که ظاهر من را جدا کرده باشند، اما هرگز نمی‌توانند [من را از] بخش میکروسکپی‌ترم جدا کنند، زیرا هیچ موجودی نمی‌تواند از من فراتر برود. (تشویق) آن چیزی است که آنها هرگز نمی‌توانند ببینند، و چیزی است که موجودات ذی‌شعور در کیهان هرگز نمی‌توانند ببینند-- فقط خود من می‌توانم آن را کنترل کنم. به عبارت دیگر، پدیده‌ای که در بالا بحث کردم تأثیری دروغین برای افراد ایجاد کرده و باعث بعضی درک‌های نادرست شده است. حالا به شما گفتم که موضوع از چه قرار است.

می‌توانم به شما بگویم: این من که شما الان با چشم‌های بشری و گوش‌تانی‌تان می‌بینید-- سطحی‌ترین من-- من واقعی، لی هنگ‌جی است. چیزی که

شما آن طرف در سمت دیگر می‌بینید بدن بودای من است. این من که الان در بیرونی‌ترین سطح می‌بینید بدن اصلی من، لی هنگجی است. (تشویق) چرا؟ زیرا برای انجام این کار، برای نجات تمام موجودات، من به پایین‌ترین سطح آمده‌ام. (تشویق) پس نگران هیچ چیزی که دیده‌اید نباشید. حتی اگر بدن قانون مرا دیدید، بدن گونگ مرا دیدید، یا بخشی از بدن من در سطوح بالاتر را دیدید، هیچ وابستگی‌ای رشد ندهید. همه‌ی آنها با این من سطحی که بدن اصلی است وجود دارند. پوسته‌ی بشری‌ام در بیرونی‌ترین رویه، بدن اصلی است. (تشویق) اما چون استاد بین مردم عادی است، برای اینکه اینجا زندگی کنم مجبورم با قوانین موجود برای موجودات بشری در این دنیا مطابقت داشته باشم. اگر این کار را نمی‌کردم مردم فکر می‌کردند من به نوعی عجیبم. نیروهای کهن می‌خواهند بعضی کارهای شیطنت‌آمیز نسبت به من انجام دهند، و آنها پیوسته به انجام بعضی کارهای بد پرداخته‌اند. برای این که افکار درست مریدان دافا تحت تأثیر قرار نگیرد، بجز آن حیات‌های تمام موجودات در کیهان که اینجا پیش خودم گرفته‌ام از هیچ عنصر بیگانه‌ای استفاده نمی‌کنم. تمام من‌های تقلبی در کیهان از روی قصد توسط نیروهای کهن ساخته شد. انجام این کار گناه‌آمیز است، صرف نظر از اینکه برای این بود که تأثیر مثبتی بگذارد یا تأثیری منفی. فکر می‌کنم که حالا این موضوع را به‌طور کامل برای شما توضیح داده‌ام.

هرچند به اینجا آمده‌ام، کسی نمی‌تواند ببیند که چقدر در نهایت میکروسکوپی هستم. آنها فقط می‌توانند سطحی‌ترین ذرات بخش بدن بشری من را ببینند. هر شیء و هر چیزی در کیهان از لایه لایه ذرات میکروسکوپی مختلف تشکیل شده است، که تمام مسیر تا سطح می‌رود. خدایان می‌توانند تمام آن چیزها را ببینند، تا ریشه‌شان دنبال کنند، و تا مبدأشان آنها را ردیابی کنند. درست مثل یک مسیر، ذره ذره به پایین ادامه می‌دهند، تا آن جایی که از آن می‌آیند. من از داخل آمدم، و از خارج آمدم؛ از هیچ آمدم، به چیزی شکل گرفتم، در قله‌ی افلاک عظیم‌الجثه ظاهر

شدم، و سپس از آنجا پله پله تا سطحی‌ترین، تا سه‌قلمرو پایین آمدم. هیچ موجودی نمی‌داند چه کسی هستم.

سابقاً وضعیت دیگری وجود داشت. در رابطه با اصلاح- فای من، نیروهای کهن حیل‌های بسیاری را به کار برده‌اند و کارهای خیلی زیادی انجام داده‌اند. نه تنها آن چیزها را نظم و ترتیب دادند، بلکه همچنین می‌خواستند به آن موجودات عظیم در کیهان که درگیر نیستند نشان بدهند که چه کار می‌کنند، و بنابراین بهترین سعی‌شان را کردند تا کارها را با فریب‌کاری بیشتری انجام دهند. آنها مقداری از مواد من، یا مقداری از گونگ من را استفاده کردند، نفوذ خودشان را اضافه کردند، و تصاویری از استاد را ساختند، تصاویر بودا. قبلاً این را به شما نگفتم تا شما را سردرگم نکنم. دلیل دیگری وجود داشت، اینکه، قصدشان این نبود که آسیب برسانند، به قول خودشان، آنها می‌خواستند با ایفای نقشی مثبت به من کمک کنند. این‌ها دو بخشی هستند که نیروهای کهن نظم و ترتیب داده‌اند: یک بخش نقشی منفی ایفا می‌کند، و بخش دیگر نقشی مثبت ایفا می‌کند. بعضی از آنها وارد بدن شاگردان شدند تا کارهای خاصی را انجام دهند— موارد معدودی مثل این وجود داشته است. بنابراین بعضی از افرادی که می‌توانستند آن را ببینند می‌گفتند، "وای، شما استاد هستید!" و بعد فکر می‌کردند که او استاد است. اما این را من نظم و ترتیب ندادم، و صریح بگویم، آن من نیست، و من آنها را تصدیق نمی‌کنم، چراکه آنها توسط نیروهای کهن نظم و ترتیب داده شدند. این به خودی خود نشان از فساد کیهان دارد. یک‌بار که افراد آن را دیدند، برای افکار درست شاگردان تأثیرات دروغینی بوجود آورد، و شدیداً به ایمان درست و افکار درست شاگردان لطمه زد، بنابراین آنها باید از بین برده شوند. حالا همه‌ی آنها به جهنم انداخته شده‌اند. امروز با مطرح کردن این موضوع همچنین به همگی درحال گفتن این هستم: آن تعداد بسیار کم شاگردان ما، قطعاً مطمئن باشید که به خاطر این موضوع سقوط نکنید. این موضوع شوخی‌بردار نیست. بعضی افراد درحال حاضر در

آستانه‌ی سقوط هستند، و در حال حاضر کمی غیرمنطقی هستند. موارد کمی مثل این وجود داشته است. باید مراقب این باشید.

هم‌اکنون کمی در مورد وضعیت صحبت کردم. موضوع دیگری هست، اینکه، عده‌ی کمی از شاگردان به‌تازگی حالت‌های نادرستی داشته‌اند. این مشکل نیز بسیار جدی است. این ناشی از چیزهای مختلف بسیاری است. یک دلیل عمده این است که چون سطح شما صعود کرده و استاد مقام دستیابی‌ای را که به‌دست خواهید آورد به شما گفته است، حالا اعتماد به‌نفس و جسارت بیشتری پیدا کرده‌اید، و احساس اعتماد بنفس زیادی می‌کنید -- فقط می‌توانم با این کلمات پایین‌تر موجودات بشری آن را توصیف کنم، چراکه کلمه‌ی مناسب دیگری برایش نیست. بنابراین بعضی افراد گفته‌اند، "لازم نیست دیگر به استاد احترام بگذاریم. فقط لازم است فا را دنبال کنیم، و فا را معلم در نظر بگیریم."

البته، من به شما گفتم که فا را معلم در نظر بگیرید -- این اشتباه نیست. اما دلیل این که به شما گفتم فا را معلم در نظر بگیرید این نبود. پس به خاطر چه بود؟ به طوری که می‌دانید، من ۱۰۰ میلیون مرید دافا دارم. اگر بدن اصلی من شخصاً به هر مرید می‌گفت که چگونه تزکیه کند، و شخصاً از شما مواظبت می‌کرد، اگر وقتی هر کدام از شما پرسشی داشتید همه مستقیماً می‌آمدید از من بپرسید، و اگر تبدیل گونگ هر شخص، کمال بهشت‌های‌تان، از بین بردن کارمای‌تان، و تک تک کارها توسط این بدن اصلی من انجام می‌شدند، آن وقت فکر کنید، اداره کردن آن ناممکن بود. قبل از اینکه فا دنیای بشری را اصلاح کرده و موانع پایانی را پاک‌سازی کند نمی‌شد انجام شود. پس وقتی آن تعداد زیاد از شاگردان نمی‌توانند من را ببینند، چطور باید تزکیه کنند؟ فا برای آنها آنجا است، و این دلیل آن است که چرا به شما گفتم فا را معلم در نظر بگیرید. مقصود اصلی این بود. همین‌طور به شما گفته‌ام که این فا بسیار قدرتمند است، و اینکه من توانایی‌های عظیمی را در این فا آمیخته‌ام، پس این فا می‌تواند برای شما هر کاری انجام دهد. (مکت. تشویق) شاگردانی نیز هستند که...

در رابطه با وضعیتم که قبلاً درباره‌ی آن صحبت کردم، عده‌ی بسیار کمی از شاگردان قادر نیستند به آن وضعیت پی ببرند، و در نتیجه به استاد احترام نمی‌گذارند، و شروع کرده‌اند که جرأت کنند درباره‌ی اینکه سطح این فا چقدر بالا است و درباره‌ی چیزهای مختلف مربوط به من، استادشان، اظهار نظر کنند. این فا پادشاهان و لردهای تمام افلاک عظیم‌الجثه‌ی بسیار عظیم را تکوین می‌دهد، و چیزی است که هستی تمام موجودات و عناصر مختلف در کیهان را تضمین می‌کند، که شمای بسیار کوچک را هم شامل می‌شود. البته، این طور نیست که نمی‌گذارم شما، شاگردان، در مورد آن مسائل صحبت کنید. اما از کلمات‌تان، وابستگی‌ها و مسیر وحشتناکی را که در آن می‌روید می‌بینم. به‌علاوه، چیزی که شما دیده‌اید صرفاً بسیار پایین است، بعضی از چیزها اصلاً چیزی که شما فکر می‌کنید نیستند، و تعداد بسیار زیادی از آنها نموده‌های دروغینی هستند که از نادرست بودن افکار شما ناشی می‌شود.

یکی از چیزهایی که پیش‌تر گفتم این است که کیهان سطوح بی‌شمار و بی‌کرانی دارد. اما تحت تأثیر و نفوذ بالاترین سطح، تمام سطوح بی‌شمار و بی‌کران زیر آن، تمام مسیر تا این مکان بشری، تجلیاتی در سطوح مختلف دارند. درباره‌ی این فکر کنید که تجلیات چقدر می‌توانند پیچیده و وسیع باشند. تجلیات در هر سطحی حقایق آن سطح هستند، و جلوه‌های حقیقت در آن سطح هستند. اما هیچ یک از صحنه‌هایی که در هر کدام از سطوح می‌بینید نهایی نیستند.

به بسیاری از شاگردان اجازه دادم که بعضی از پدیده‌ها در اصلاح- فا را که در سطوح مختلف متجلی شده‌اند ببینند تا اعتمادتان به اصلاح- فا را افزایش دهم، به شما کمک کنم فا را به خوبی مطالعه کنید، اعتماد بنفس شما در کوشا تزکیه کردن را افزایش دهم، و اعتماد به نفس شما در آشکار کردن واقعیت‌ها و اعتماد به نفس شما در فرستادن افکار درست را افزایش دهم. اطمینان کامل حاصل کنید که پدیده‌هایی که در سطوح بسیار پایین می‌بینید، در چند سطح از پایین‌ترین سطوح بی‌شمار و بی‌کران

می‌بینید، به عنوان وضعیت نهایی اصلاح- فای کیهان در نظر نمی‌گیرید، زیرا هر چیزی از اصلاح- فا تجلیات مختلف و عینی خودش را در هر سطح دارد.

می‌دانید؟ درخصوص تنها موضوع تزکیه، در سطوح پایین‌تر کیهان بسیار پیچیده است. اما در سطوح بالاتر، که دیگر مفهوم تزکیه وجود ندارد و فقط مفهوم از بین بردن کارما هست، ساده می‌شود. در سطوح بالاتر، تمام زحمتی که هست، آماده کردن راه برای صعود به آسمان است. و در سطوح حتی بالاتر، مفاهیمی مثل از بین بردن کارما، تحمل سختی، و تزکیه دیگر وجود ندارند، و صرفاً یک انتخاب است! در سطوح بالای کیهان اصل این است: شما فکر می‌کنید کسی به اندازه‌ی کافی خوب است، پس انتخابش می‌کنید-- چنین اصلی است. "تزکیه؟ ما برای او تزکیه نظم و ترتیب ندادیم. تزکیه چیست؟ ما فقط می‌خواهیم آن را پاک کنیم، قدم به قدم آن را پاک کنیم، تا به بالا. آن را پاک کنید-- به همین سادگی است!" با این حال وقتی در سطوح مختلف متجلی شود، می‌شود آماده کردن راه، دردسر داشتن، تحمل سختی‌ها، از بین بردن کارما، تزکیه، و غیره، تزکیه کردن یک روش، تمرین کردن روش دیگر...

درحالی که در مورد این مطلب صحبت می‌کردم یک حقیقت بزرگ را آشکار کردم. در این کیهان در واقع این که آیا موجودات ذی‌شعور می‌دانند من چه کسی هستم مهم نیست. اما یک موضوع باید روشن باشد، که من درحال انجام اصلاح- فا هستم-- مهم نیست من چه کسی باشم، من درحال انجام اصلاح- فا هستم. قبلاً به نیروهای کهن گفتم، "اشکالی ندارد که نمی‌دانید من چه کسی هستم، و اشکالی ندارد که باور نمی‌کنید من چه کسی هستم، به این خاطر گناهکار محسوب نمی‌شوید. ولی، جایی که می‌روم-- در نظر شما من هم درحال تزکیه هستم-- یا به چه دست خواهم یافت،/ این را می‌دانید. پس برگردید و به کارهایی که می‌کرده‌اید نگاهی بیندازید-- آیا مرتکب گناه نشده‌اید؟ همین‌طور، در سطوح حتی بالاتر این مفهوم که بخواهید به چیزی دست پیدا کنید نیز وجود ندارد. این فقط موضوعی درخصوص انتخاب کیهان است. هر چیزی که طی اصلاح- فا انجام می‌داده‌ام و هر

چیزی که می‌خواهم، صراحتاً بگوئیم، انتخاب کیهان آینده و نیازهای کیهان آینده هستند. (تسویق) بنابراین برای موجودات کیهان قدیم، و این تمام عناصر موجودات را شامل می‌شود، وقتی به اصلاح- فا و چیزی که من انتخاب می‌کنم می‌رسد، اینکه تمام موجودات مسائل را بر طبق انتخاب‌های من موزون و کامل کنند و بهترین ایده‌ها و رویکردهایشان را ارائه دهند-- تغییر ندادن چیزی که من می‌خواهم، بلکه موزون و کامل کردن امور مطابق چیزی که گفته‌ام-- بهترین فکری است که یک موجود در کیهان می‌تواند داشته باشد. (تسویق) اما نیروهای کهن به این صورت آن را انجام نداده‌اند. آنها انتخاب‌های خودشان را اساسی‌ترین چیز در نظر گرفته‌اند، و فکر کرده‌اند که هر چیزی که من انجام می‌دهم باید هر چیزی که آنها خواهان آن هستند را هماهنگ و موزون کند-- کاملاً این را برعکس کرده‌اند. نمی‌خواهم جرم‌هایشان را به طور خیلی زنده‌ای بیان کنم، در حال حاضر نمی‌خواهم جرم‌هایشان را نام ببرم. اما به طور مطلق اشتباه است، مطلقاً نمی‌توانند به این صورت آن را انجام دهند.

تمام فایی که الان درباره‌اش صحبت کردم برای این بود که یک مطلب را به شما بگویم: خواه به من احترام بگذارید یا نه، به عنوان استاد شما، واقعاً، حقیقتاً برایم مهم نیست. در گذشته، همان‌طور که شما را نجات می‌دادم، بسیاری از شما به من ناسزا می‌گفتید. افرادی بودند که حتی در حین کلاس‌هایم به من ناسزا می‌گفتند. برایم مهم نیست. فقط می‌خواهم شما را نجات دهم. (تسویق) چیزی که سعی دارم بگویم این است که شخصاً اصلاً برایم مهم نیست شما چطور با استاد رفتار می‌کنید. من تحت تأثیر هیچ عاملی در هیچ سطحی از کیهان نیستم. اما مشکلی هست، اینکه، اگر شما به استاد احترام نگذارید، طبق اصول کیهان اشتباه است، و نیروهای کهن از این شکاف سوءاستفاده کرده و به خاطر این، شما را نابود می‌کنند. بزرگ‌ترین بهانه را برای نابود کردن شما به دست آورده‌اند، چون آنها تمام روندی که شما را نجات می‌دهم دیده‌اند.

در واقع، اگر برای اصلاح- فا نبود، نژاد بشر امروزی مدت‌ها پیش نابود شده بود. استاندارد تفکر نژاد بشر همین حالا هم در سطحی پایین‌تر از جهنم است. به خاطر اصلاح- فا است که من گناهان تمام موجودات ذی‌شعور در سه قلمرو را جبران کردم. (تسویق) پس درباره‌اش فکر کنید، تا جایی که به شاگردان مربوط می‌شود، مثل این بود که در آن زمان شما را از جهنم بیرون کشیدم. (تسویق) من حقیقتاً گناهی را که در طول صدها و هزاران سال مرتکب شده‌اید برای تان تحمل کرده‌ام. و فقط همین نیست. به همین خاطر، شما را نیز نجات خواهم داد و تبدیل به خدایان می‌کنم. در این روند از هیچ تلاشی برای شما فروگذار نکرده‌ام. به همراه این، چون خدایانی در سطوحی به آن بالایی می‌شوید، باید افتخار خدایان در سطوحی به آن بالایی و تمام برکت‌هایی را که در سطوحی آن اندازه بالا لازم است داشته باشید به شما بدهم. (تسویق) هرگز، از آغاز زمان، هیچ خدایی جرأت انجام این کار را نکرده است. چیزی مثل این هرگز قبلاً اتفاق نیفتاده است.

هرچند نیروهای کهن در حال اثر گذاشتن بر این امر هستند و می‌خواهند کارها را به طریق خودشان انجام دهند، اما آیا چیزی را می‌دانید؟ تمام موجودات نیروی کهن به طور مطلق به من احترام می‌گذارند! (تسویق) هر چند آنها موانعی برای اصلاح- فای من خلق کردند، هرگز هیچ کار بدی که مستقیماً من را نشانه برود انجام نداده‌اند، زیرا به من احترام می‌گذارند. (تسویق. تسویق مجدد) پس، برای آن شاگردان ما که برای لحظاتی در یک سرگستگی هستند و حالت ذهن‌شان درست نیست، درباره‌اش فکر کنید، یک‌بار که شما نسبت به من بی‌احترام شوید، نیروهای کهن کارهای بی‌رحمانه‌ای با شما می‌کنند، و فکر می‌کنند که این شخص خیلی بد است. البته، مطلقاً شما را بلافاصله از بین نمی‌برند. هدایت‌تان می‌کنند، کاری می‌کنند صحنه‌های کاذب بیشتر و بیشتری ببینید، ذهن‌تان را نادرست و نادرست‌تر می‌کنند، قلب شما را نسبت به استاد به شکلی اهریمنی تغییر می‌دهند، شما را در امتداد

مسیری شیطانی هدایت می‌کنند، و با این کار وادارتان می‌کنند مرتکب گناهان عظیمی شوید.

آیا می‌دانید در اصلاح- فا چه اصلی را به کار می‌گیرم؟ تمام گناهانی را که موجودات در گذشته مرتکب شده‌اند نادیده می‌گیرم! (تسویق) طی این اصلاح- فا فقط به طرز برخورد موجودات نسبت به اصلاح- فا نگاه می‌کنم! (تسویق) تمام دروازه‌ها را کاملاً باز گذاشته‌ام. همان‌طور که به شما گفته‌ام، اگر حتی به طرز برخورد نسبت به اصلاح- فا نگاه نمی‌کردم، آن موقع فای جدید و کیهان جدید وجود نمی‌داشت. برای همین است که طرز برخورد با اصلاح- فا حیاتی است. وقتی شما واقعاً در این خصوص اشتباهی کرده باشید، وقتی نیروهای کهن شما را نابود می‌کنند حتی نمی‌توانم چیزی بگویم.

وقتی که به استادان بی‌احترامی می‌کنید، می‌دانید من چه فکر می‌کنم؟ برایم کمترین اهمیتی ندارد. همین حالا، آیا می‌دانید من چه کسی هستم؟ شما فقط شکل متجلی شده‌ی بشری‌ام را می‌شناسید. چیزی که آن طرف در سمت دیگر، مقابل شما متجلی می‌شود نیز تصاویر درون کیهان هستند. در آینده نخواهید دانست نهایتاً چه کسی هستم. هیچ موجودی در کیهان نخواهد فهمید نهایتاً چه کسی هستم. اینکه با من خوب رفتار کنید یا نه، برایم کمترین اهمیتی ندارد، ولی نیروهای کهن شما را زیر سختی نابود می‌کنند. مراقب باشید!

حالا که این اندازه گفته‌ام، کمی در مورد اینکه در اصلاح- فا از شما تقاضای انجام چه کاری را دارم صحبت می‌کنم. به طوری که دیده‌اید، شما واقعیت‌ها را آشکار می‌کنید، افکار درست می‌فرستید، و خودتان را تزکیه می‌کنید. در حال حاضر، این سه کار، برای میدان دافا مهم‌ترین کارهایی هستند که انجام دهند. روشن‌گری واقعیت‌ها، وقتی در ظاهر، از نظر حقایق در این سطح بشری به آن نگاه کنید، افشا کردن شکنجه‌ی شیطانی است. و فرستادن افکار درست، از بین بردن شکنجه و آزاری است که آن موجودات از دست‌رفته و کثیف‌ترین موجودات بر میدان دافا وارد

کرده‌اند. از منظر حقایق سطوحی کمی بالاتر که نگاه شود، آنگاه، منظور واقعی روشن‌گری واقعیت‌ها نجات موجودات ذی‌شعور و جلوگیری از این است که نژاد بشر از بین برده شود. نیروهای کهن از موجودات شیطانی استفاده کرده‌اند که نسبت به مریدان دافا کارهای شیطانی انجام دهند تا، از یک نظر، آزمایش درست کنند، و دیگر اینکه، کاری کنند آن اشغال‌دانی را از کیهان پاک‌سازی کنم. فرستادن افکار درست مریدان دافا به طور بنیادی رد کردن نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن و از بین بردن شکنجه‌ی شیطان است. می‌توانم به شما بگویم، تمام آن کارهایی که انجام می‌دهید در حقیقت برای خودتان انجام می‌شوند-- حتی یک کار هم برای من انجام نمی‌شود. در عین حال می‌توانم به شما بگویم که از همان روزی که تزکیه را شروع کردید، و تمام راه تا به امروز، هیچ کدام از چیزهایی که به شما گفته‌ام یا از شما خواسته‌ام انجام دهید، برای دیگران نبوده است. تزکیه‌ی شما می‌تواند به بشریت و اجتماع سود برساند، در تزکیه، مریدان دافا می‌توانند درخصوص یکدیگر پخته‌تر شوند، و درحالی که مریدان دافا تحت آزار و شکنجه هستند می‌توانند فشار و زبان‌های ناشی از شکنجه‌ی شیطانی را کاهش دهند. اما تمام این‌ها محصولات جانبی هستند. مقصود واقعی تمام آن کارهایی که انجام می‌دهید، برای شما است تا موفق شوید. در آینده، می‌توانید برگردید و نگاهی به این [ماجرا] بیندازید. در حال حاضر هیچ یک از شما لازم نیست بگویند که من چطور باشکوه هستم، یا این و آن را درباره‌ی من، استادتان بگویند. در آینده نگاهی به گذشته بیندازید و خواهید دید که هر کاری که من انجام دادم برای بنا کردن چیزها برای شما بود. (تسویق)

چیزهایی را که باید انجام دهید خوب انجام دهید. این فرصت تقدیری سخت به دست می‌آید. قدر همه‌ی این‌ها را بدانید، دفعه‌ی دیگری نخواهد بود. رشد دادن هر وابستگی‌ای، شما را در نیمه‌راه نابود می‌کند! سرگرم یا وابسته به هیچ فکر بشری نشوید، و فقط آنچه را که یک مرید دافا باید انجام دهد انجام دهید. هر چیزی

که شگفت‌انگیز است، باشکوه‌ترین است، و پر عظمت‌ترین است انتظار شما را می‌کشد!  
(تشویق)

این تمام چیزی است که امروز صبح می‌گوییم. اگر نروم، فکر می‌کنم  
بعد از ظهر بعضی پرسش‌ها را برای تان پاسخ می‌گوییم. (تشویق طولانی)  
همین قدر می‌گوییم. متشکرم. (تشویق)